



سفال دوره اشکانی تم مارون، استان هرمزگان

I آرمین شیخی
II مرتضی حصارى
III مصیب امیری

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۹۴ - ۷۵
تاریخ دریافت: ۱۳/۰۸/۱۴۰۰؛ تاریخ پذیرش: ۰۹/۱۱/۱۴۰۰
شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.6.19.75

چکیده

سفال را شاید بتوان یکی از مهم‌ترین داده‌های یافت‌شده در کاوش‌های باستان‌شناسی در راستای کمک به روشن شدن مجهولات هر محوطه باستانی و پاسخ‌دهی به پرسش‌ها دانست. این داده بخش مهمی از تعاملات انسانی را در گذشته به نمایش می‌گذارد. با بررسی این داده، رهیافت‌های گوناگونی نصیب باستان‌شناس می‌شود که پیش شرط آن، هدف‌دار بودن و درست عمل کردن در گونه‌شناسی سفال است. با بررسی سفال دوره اشکانی تم مارون در دشت رودان و گسترش انواع آن در خلیج فارس، از یک سو گسترش فرهنگی اشکانیان در جنوب ایران و از سوی دیگر به واسطه گسترش جغرافیایی آن در جنوب خلیج فارس، دریانوردی اشکانی‌ها در سواحل شمال و جنوب خلیج فارس اثبات می‌شود. هدف از انجام این پژوهش، بررسی گونه‌های سفال اشکانی در جنوب ایران و مستند کردن ارتباطات فرهنگی مابین استقرارگاه‌های شمال و جنوب خلیج فارس است، سپس ارائه تصویری از دریانوردی در خلیج فارس و گسترش فرهنگی اشکانیان در شبه‌جزیره عربستان به تصویر کشیده می‌شود. در این پژوهش گونه‌های سفالی دوره اشکانی تم مارون برپایه مستندات کاوش باستان‌شناسی محوطه، بررسی و طبقه‌بندی خواهند شد. مهم‌ترین پرسش این پژوهش، شاخصه‌های سفالی دوره اشکانی تم مارون است، سپس به دنبال این پرسش هستیم که توسعه فرهنگی دوره اشکانی براساس یافته‌های تم مارون تحت چه عواملی شکل گرفته است؟ این پژوهش به صورت مشخص نشان داد که براساس شیوه ساخت، رنگ بدنه و خمیره، در تل مارون گونه سفال اشکانی قابل طبقه‌بندی است. گونه‌های مشخص شده با محوطه‌های سواحل و جزایر شمال خلیج فارس مانند جزیره قشم، منطقه مکران و نیز سواحل جنوبی خلیج فارس هم چون محوطه ملیحا یک حوزه فرهنگی را تشکیل می‌دهند.

کلیدواژگان: سفال اشکانی، دشت رودان، تم مارون، خلیج فارس.

- I. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوران تاریخی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
- II. دانشیار گروه باستان‌شناسی پیش‌اتاریخ، پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
- III. استادیار گروه باستان‌شناسی تاریخی، پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.

mhesari@yahoo.de

مقدمه

بررسی مواد فرهنگی دوره‌های فرهنگی متفاوت در محوطه‌های حاشیة خلیج فارس به‌عنوان آبراه تاریخی و راهبردی، همواره مورد توجه زمامداران دور و نزدیک بوده و در طول هزاران سال، محل رفت‌وآمد کشتی‌های فرهنگ و تمدن‌های شرق و غرب عالم بوده است. در این میان دشت رودان به‌سبب واقع‌شدن در کرانه و پس‌کرانه‌های خلیج فارس و آبراه‌های حیاتی و راهبردی آن، یعنی تنگه هرمز، در طول تاریخ هم‌ازمنظر تاریخی-فرهنگی و هم سیاسی-اجتماعی و البته اقتصادی از اهمیت و جایگاه بسیار مهمی برخوردار بوده است (حصاری، ۱۳۹۸).

تم‌مارون براساس بررسی و سپس کاوش‌های باستان‌شناسی «سیامک سرلک» در دشت رودان استان هرمزگان، شناسایی و معرفی شد (سرلک، ۱۳۸۲؛ ۱۳۸۶؛ ۱۳۸۷؛ ۱۳۸۸).

هدف از انجام این پژوهش، بررسی گونه‌های سفال اشکانی در جنوب ایران و مستند کردن ارتباطات فرهنگی مابین استقرارگاه‌های شمال و جنوب خلیج فارس است. در همین چارچوب تعاملات فرهنگی در این دوره بحث خواهد شد تا تصویری مناسب از ارتباط‌های دو سوی سواحل خلیج فارس که نشان از گسترش فرهنگی اشکانی‌ها به‌واسطه دریانوردی در خلیج فارس بوده است، به تصویر کشیده شود. در این پژوهش گونه‌های سفالی دوره اشکانی تم‌مارون برپایه مستندات کاوش باستان‌شناسی محوطه، بررسی و طبقه‌بندی خواهند شد.

پرسش‌های پژوهش: مهم‌ترین پرسش این پژوهش، شاخصه‌های سفالی دوره اشکانی تم‌مارون است. پراکنش این گونه‌ها می‌تواند نشان از تعاملات فرهنگی در دو سوی خلیج فارس باشد؟ سپس توسعه فرهنگی دوره اشکانی براساس یافته‌های تم‌مارون تحت چه عواملی شکل گرفته است؟ این پژوهش به‌صورت مشخص نشان داد که براساس شیوه ساخت، رنگ بدنه و خمیره در تم‌مارون، گونه سفال اشکانی قابل طبقه‌بندی است. گونه‌های مشخص شده با محوطه‌های سواحل و جزایر شمال خلیج فارس مانند جزیره قشم، منطقه مکران و نیز سواحل جنوبی خلیج فارس هم‌چون محوطه ملیحا یک حوزه فرهنگی را تشکیل می‌دهند.

روش پژوهش: در این پژوهش روش انجام کار براساس رویکرد تاریخ فرهنگی است. این رویکرد بین‌رشته‌ای، دو حوزه علوم انسانی، یعنی تاریخ و فرهنگ را با یکدیگر و در تعامل با هم قرار داده است؛ به‌طور کلی، مورخ فرهنگی سعی در فهم پیوند هنرهای مختلف جوامع انسانی دارد. نگارندگان با کمک این رویکرد سعی در فهم ارتباط میان شکل و ساختار دوره اشکانی دشت رودان با استقرارگاه‌های هم‌افق حوزه جغرافیایی مورد مطالعه دارند؛ لذا یافته‌های مورد مطالعه براساس نمونه‌های به‌دست‌آمده از بررسی و کاوش تم‌مارون است و یافته‌های مورد مطالعه پس از گونه‌شناسی و مقایسه تطبیقی با روش تاریخ فرهنگی، در این حوزه فرهنگی مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

موقعیت جغرافیایی دشت رودان

استان هرمزگان به‌صورت باریکه‌ای از شمال‌غربی به سمت جنوب‌شرقی در جنوب ایران و در سواحل شمالی دریای عمان و خلیج فارس و مسلط بر تنگه هرمز قرار دارد. در این میان شهرستان رودان در تقسیمات کشوری سال ۱۳۱۶ ه.ش.، با نام دهستان رودان احمدی در استان جنوبی و شهرستان عباسی قرارداد شد و در سال ۱۳۲۳ ه.ش.، جزو استان هشتم بندرعباس در بخش میناب بود و در ۱۳۲۵ ه.ش.، رودان احمدی بلوکی در ولایت فارس بود (سدیدالسلطنه کبابی، ۱۳۶۳: ۵۷۷-۵۸۸). در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ ه.ش.، رودان دهستانی در استان و فرمانداری کل ساحلی بنادر و جزایر خلیج فارس به حساب می‌آمد (اصلاح عربانی، ۱۳۴۵: ۴۸۴). در تقسیمات کشوری آن زمان

بیشترین گستره استان هرمزگان تا سال ۱۳۴۵ ه.ش.، در محدوده استان کرمان قرار داشت. در سال ۱۳۴۶ ه.ش.، هرمزگان از استان کرمان جدا شد. رودان در ۱۳۶۵ ه.ش.، دهستانی در بخش رودان احمدی در شهرستان میناب و تابع استان هرمزگان بود (رزم آرا، ۱۳۵۵: ۱۲۸)، (نقشه ۱).

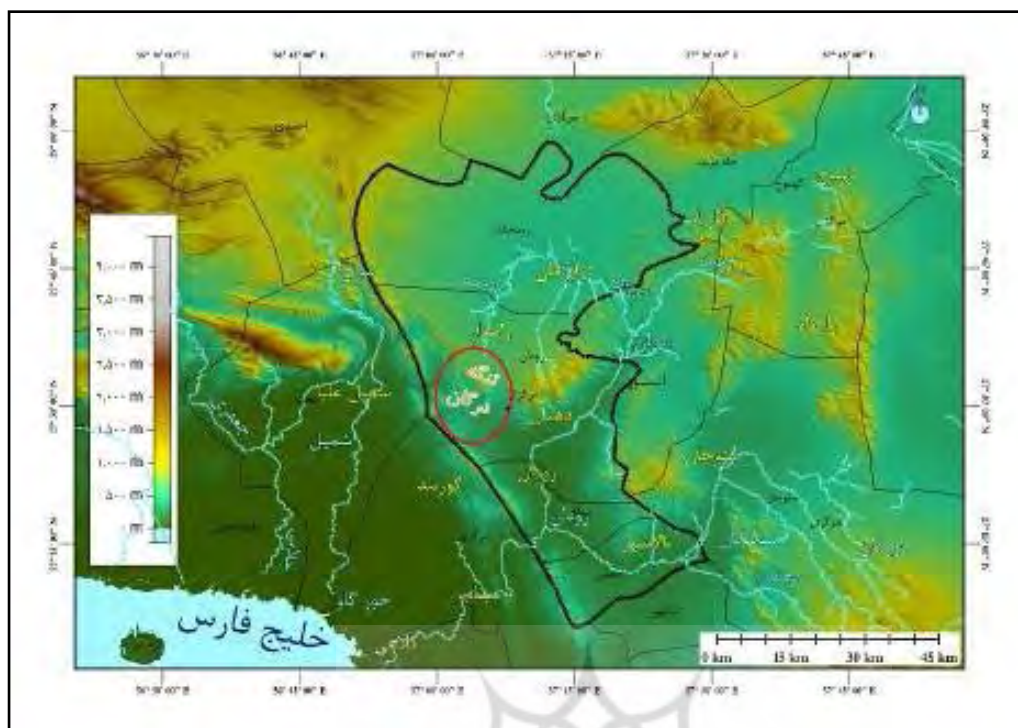


نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی رودان استان هرمزگان (نگارندگان، ۱۴۰۰).

تنگه رودان در شمال غربی شهرستان میناب، ارتباط منطقه شمال میناب را با مناطق شمالی تر و معبر جنوبی (میناب-بشاگرد) با فرهنگ دره سند برقرار می کرده است. جریان هوای مدیترانه ای که از شمال غرب وارد نجد ایران می شود، تأثیر زیادی بر بارش زمستانی منطقه دارد. بررسی های باستان شناسی دشت میناب با بررسی ساحل تا رودخانه حسن لنگی، هفت حوضه سیلابی وسیع را تشخیص داده است. در شهرستان میناب، این دشت با طول حدود ۱۵۰ کیلومتر و عرض نسبی ۲۵ کیلومتر به عنوان یکی از مهم ترین دشت های ساحلی جنوب ایران به شمار می آید (سرلک و عقیلی، ۱۳۹۲: ۲۰). مهم ترین رودخانه منطقه، رود میناب است. این رودخانه در طی مسیر خود از لایه های زمین ساختی «گابروی بند زیارت» گذشته و سپس از لایه های سنگ های آهکی دورکان و لایه های ائوسن عبور می کند و قبل از آن که رودخانه منوجان به جویبارهای غیرقابل کنترل برسد، به سمت شمال غربی می پیچد (نقشه ۲؛ تصویر ۱)، (Mac call, 1985: 29).

پیشینه مطالعات باستان شناسی کرانه های خلیج فارس با تأکید بر دوره اشکانی

کرانه های شمالی خلیج فارس از تنگه هرمز آغاز و تا رودخانه اروند ادامه می یابد. خلیج فارس دارای ۱۰۰۰ کیلومتر طول و ۲۰۰ تا ۳۵۰ کیلومتر پهناست که در تنگه هرمز به حدود ۶۰ کیلومتر کاهش می یابد. سواحل شمالی خلیج فارس به خاطر شرایط مناسب تری که داراست، بیشتر از سواحل جنوبی خلیج فارس مورد توجه اجتماعات انسانی و فعالیت های اقتصادی و تجاری قرار گرفته است. در سواحل شمالی طی دهه های گذشته پژوهش های میدانی بسیاری شکل گرفته که بیشتر این فعالیت های علمی در دو دهه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی رخ داده است. در سواحل جنوبی خلیج فارس طی دهه های اخیر کاوش ها و بررسی های متعددی در کشورهای امارات متحده، بحرین، عمان و قطر انجام گرفته و نتایج این کاوش ها و بررسی ها در پژوهش های مختلفی هم چون کتاب و مقالات به چاپ رسیده است. مطالعات صورت گرفته در سواحل شمالی به نسبت در کشورهای حوضه سواحل جنوبی بسیار اندک است. در ادامه به پژوهش های انجام گرفته مربوط به دوره اشکانی در سواحل شمالی و جنوبی خلیج فارس به اجمال پرداخته می شود.



نقشه ۲. موقعیت جغرافیایی تنگه رودان (تنگه درگان) (نقشه باستان شناسی کشور، ۱۴۰۰).



تصویر ۱. تصویر ماهواره‌ای موقعیت جغرافیای طبیعی تنگه رودان (تنگه درگان)، (www.googleearth.com).

اولین پژوهش‌های دوران تاریخی در این منطقه مربوط به مطالعه «ویلیامسون» از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۱ م.، است؛ وی از جاسک تا بوشهر را بررسی نمود، اما گزارش مختصری از آن ارائه داد

(Williamson, 1972: 99). ویلیامسون، ریشهر را همان شهر «ریواردشیر» معرفی نمود و بسیاری از محوطه‌های ساسانی را در شبه‌جزیره بوشهر معرفی نمود. علاوه بر محوطه‌های ساسانی و اسلامی، یک محوطه از دوره مس‌وسنگ در نزدیکی روستای هیله نیز معرفی کرد (Whitehouse & Wilkinson, 1971: 41). در سال‌های اخیر سفال‌های این محوطه توسط ویلیامسون و همکاران بازبینی شده است (Priestman & Kennet, 2002: 265). از دیگر باستان‌شناسان آمریکایی که در منطقه بوشهر به مطالعاتی پرداخت، «دونالد ویتکمپ» بود که در سال ۱۹۷۳ م.، چندین محوطه اشکانی و ساسانی را در شبه‌جزیره بوشهر شناسایی و بررسی کرد (Whitecomb, 1987: 311).

«بابک‌راد»، «غلامعلی شاملو»، «جهانگیر یاسی» و «حسین بختیاری» در سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۶ ه.ش.، بررسی‌هایی را در استان ساحلی انجام دادند (شاملو، ۱۳۵۱؛ یاسی، ۱۳۵۴). بابک‌راد و «لباف خانیکی» نیز بررسی‌هایی در جزیره قشم انجام دادند (راد، ۱۳۵۰). در سال ۱۳۸۴ ه.ش.، «علیرضا خسروزاده» بررسی‌های کوتاهی در جزیره قشم و «مرتضی حصار» در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ ه.ش.، بررسی‌هایی در حوضه مکران انجام داده و محوطه‌هایی از عصر آهن III تا دوران متأخر اسلامی را شناسایی نمودند (خسروزاده، ۱۳۸۴؛ حصار، ۱۳۹۸).

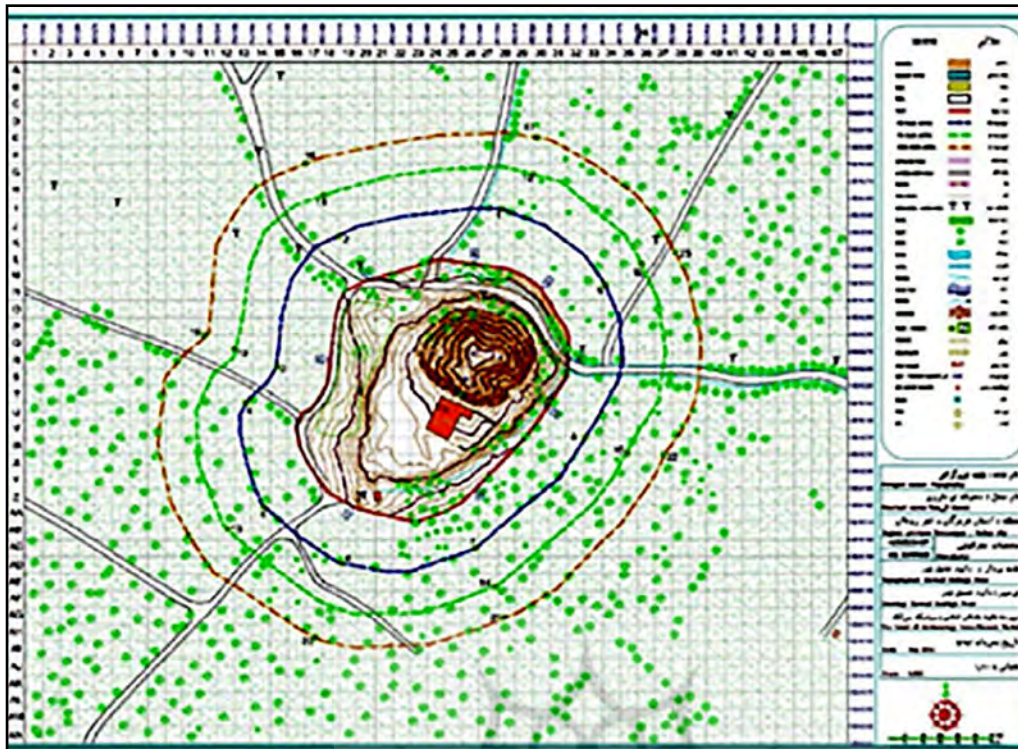
سیراف به‌عنوان بزرگ‌ترین محوطه ساحلی شمالی خلیج فارس در سال ۱۹۱۱ م.، توسط «سر آرنولد ویلسون» (ویلسون، ۱۳۴۸) و «پزارد» در سال ۱۹۱۴ م.، مورد بازدید قرارگرفت (Pezard, 1914). «اشتاین» نیز در سال ۱۹۳۳ م.، در سیراف کاوش‌هایی را انجام داد (Stein, 1936: 214). «وایت‌هاوس» از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۳ م.، به مدت هفت فصل به کاوش در سیراف پرداخته و آثار با ارزشی از یک قلعه ساسانی و مسجد، بازار و چندین اثر دیگر را شناسایی کرده است (Whitehouse, 1968; 1972).

یکی از مهم‌ترین گورستان‌های سنگ‌چین در شهرستان رودان به نام «گورستان گروی» طی دو فصل توسط «عباس نوروزی» کاوش شد (نوروزی، ۱۳۸۴؛ ۱۳۸۶). در این کاوش ۴۴ گور مورد بررسی قرار گرفت که با بررسی‌های به عمل آمده از نظر شکل و ساختار شبیه به گورهای سنگ‌چین جنوب شرق ایران از نوع پشته سنگی هستند (خسروزاده، ۱۳۹۸: ۳۵).

در زمینه بررسی و شناسایی و پروژه‌های کاوش‌های باستان‌شناسی دشت میناب و رودان، ابتدا در سال ۱۳۸۴ ه.ش.، هیأت مشترکی از سوی پژوهشکده باستان‌شناسی به سرپرستی «علیرضا خسروزاده» و دانشگاه دورهام بخشی از میناب را بررسی نمود (خسروزاده، ۱۳۸۴). خسروزاده و همکاران نیز در سال ۱۳۸۵ ه.ش.، محوطه کهور لنگرچینی را در این منطقه که بزرگ‌ترین محوطه دوره اشکانی در سواحل شمالی خلیج فارس بود شناسایی و بررسی کردند (خسروزاده و همکاران، ۱۳۸۵). سیامک سرلک در سال ۱۳۸۲ ه.ش.، نیز به بررسی و شناسایی محوطه‌های دشت میناب پرداخت (سرلک، ۱۳۸۲). در نتیجه، سرلک در سه فصل در طی سال‌های ۱۳۸۶، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ یکی از محوطه‌های مهم منطقه میناب به نام «کهور لنگرچینی» یا «نخل ابراهیمی» را کاوش کرد (سرلک، ۱۳۸۶؛ ۱۳۸۷: ۱۳۸۸).

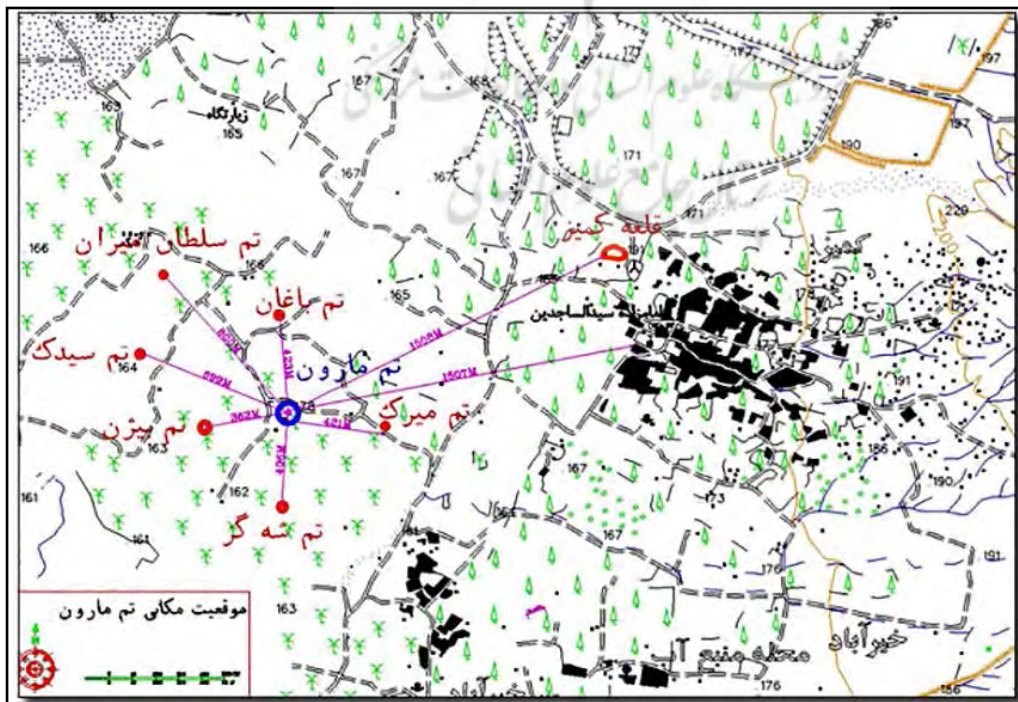
کاوش باستان‌شناسی تم‌مارون

یکی از محوطه‌های مهم دوره اشکانی منطقه خلیج فارس، تم‌مارون است. این محوطه تپه‌ای بسیار بلند به ابعاد حدود ۶۰×۷۰ متر به شکل بیضی است که در میان باغات روستای خیرآباد در بخش مرکزی شهرستان رودان استان هرمزگان قرار دارد (تصویر ۲). این تپه در سال ۱۳۸۴ ه.ش.، توسط سرلک بررسی و در زمستان سال ۱۳۸۶ ه.ش.، توسط وی کاوش شد (نقشه ۳). سرلک براساس سفال‌های به دست آمده از لایه‌های مختلف، پنج دوره فرهنگی در این تپه شناسایی کرده است (سرلک، ۱۳۹۱: ۳۷۴).



نقشه ۳. نقشه توپوگرافی تم مارون (سرلک، ۱۳۹۶: ۱۰).

تم مارون در فاصله دو کیلومتری غرب روستای قلعه کمیز و یک کیلومتری شرق روستای خیرآباد، از بخش مرکزی شهرستان رودان، استان هرمزگان قرار دارد. تم مارون با تپه‌های اقماری خود (تم باغان، تم بیژن، تم سیدک، تم شه‌گز و تم سلطان میران) یک محوطه باستانی وسیع را تشکیل می‌دادند که آثار استقرار دوره‌های مختلف فرهنگی را دربر گرفته است (سرلک، ۱۳۹۶: ۱۲)، (نقشه ۴).



نقشه ۴. موقعیت تم مارون نسبت به تپه‌های اقماری اطراف آن (سرلک، ۱۳۹۶: ۱۱).



تصویر ۲. نمای عمومی تل مارون و نخلستان همجوار، برش لایه نگاری (سرلک، ۱۳۸۷).

مجموعه سفال دوره اشکانی تم مارون

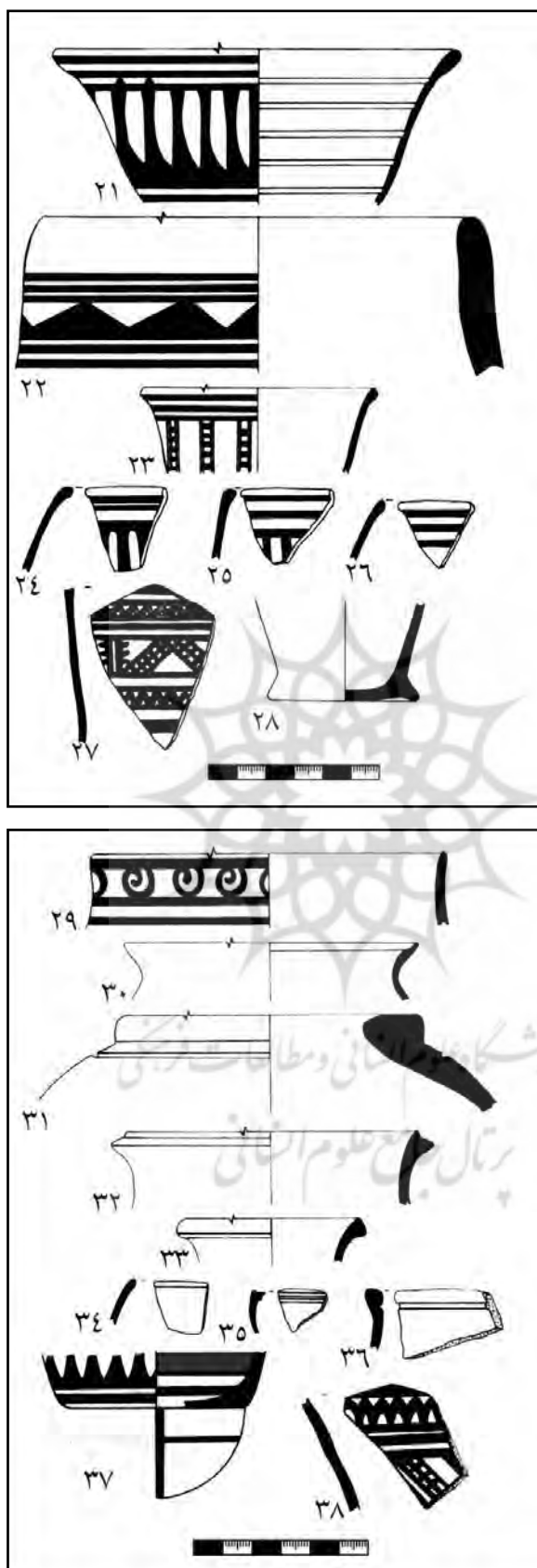
براساس بررسی‌های به عمل آمده، حدود ۳۰۰ قطعه سفال شاخص از محوطه تم مارون طی گمانه‌زنی باستان‌شناسی به دست آمده است. با توجه به گونه‌شناسی، سفال‌هایی از عصر مفرغ قدیم تا دوران اسلامی در مجموعه سفالی این محوطه یافت شده است؛ در نتیجه از حدود ۸۰ قطعه سفال شاخص متعلق به دوره اشکانی در محوطه تم مارون براساس شاخصه‌هایی مانند: شیوه ساخت، نوع تزئین و... گونه سفال شناسایی شده است.

بایستی در نظر داشت که در لایه نگاری تل مارون، دوره دوم آن (مارون B)، نشانه‌های استقراری از دوره اواخر اشکانی و نیز اوایل ساسانی و در ادامه همین کاوش، دوره سوم (مارون C) حضور پررنگ استقرار اشکانی هستند، شده است؛ مشخصه سفالی آن، سفال نامرد و لوندو است که توسط کاوشگر تل مارون به خوبی تشخیص داده شده است (تصویر ۳)، (سرلک، ۱۳۸۷؛ طرح، ۱)؛ در ادامه این پژوهش، گونه‌های مختلف دیگر اشکانی نیز معرفی خواهند شد.

گونه‌های سفال اشکانی تم مارون

-سفال با خمیره آجری مایل به قرمز

این گونه سفال‌ها دارای پوشش رقیق لعاب گلی نخودی‌رنگ هستند. خمیره آن‌ها نیمه ظریف و خشن و عمدتاً از نوع ماسه است. این سفال با پخت نسبتاً کافی، عموماً چرخ‌ساز است و در دو نوع ساده و منقوش‌کننده در این محوطه به دست آمده است (تصویر ۴).



تصویر ۳. نمونه سفال‌های نامرد و لندواز مرحله سوم کاوش لایه‌نگاری تم مارون (سرلک، ۱۳۸۷: طرح ۱).



تصویر ۴. سفال با خمیره آجری مایل به قرمز (سرلک، ۱۳۹۵: ۶۶).

-سفال با خمیره نخودی رنگ

این گونه سفال‌ها دارای پوشش لعاب گلی نخودی رنگ هستند. خمیره آن‌ها نیمه ظریف تا خشن است. خمیره سفال عمدتاً از نوع ماسه بوده و دارای پخت کافی و عموماً چرخ‌ساز است و در دو نوع ساده و منقوش کنده (به صورت نقوش شیاری کنده و خطوط متقاطع ضربدری) در این محوطه به دست آمده است (تصویر ۵).



تصویر ۵. سفال با خمیره نخودی رنگ (سرلک، ۱۳۹۵: ۵۹).

-سفال با خمیره قهوه‌ای مایل به آجری

این گونه سفال‌ها دارای پوشش رقیق لعاب گلی قهوه‌ای رنگ هستند. خمیره آن‌ها نیمه ظریف تا خشن است. خمیره سفال عمدتاً از نوع ماسه بوده و این سفال با پخت کافی و عموماً به صورت چرخ‌ساز تولید شده است (تصویر ۶).



تصویر ۶. سفال قهوه‌ای مایل به آجری (سرلک، ۱۳۹۵: ۵۹).

-سفال با خمیره خاکستری

این گونه از سفال‌ها دارای پوشش قهوه‌ای-نارنجی‌رنگ صیقلی هستند. خمیره آن‌ها نیمه‌ظریف تا خشن است. خمیره سفال عمدتاً از نوع ماسه پودر شده بوده که این سفال با پخت تقریباً کافی ساخته شده و غالب این گونه چرخ‌ساز است و دارای دو نوع ساده و منقوش با تزئینات ساده هندسی است (تصویر ۷).



تصویر ۷. سفال با خمیره خاکستری (سرلک، ۱۳۹۵: ۸۴).

-سفال با لعاب تک‌رنگ زرد

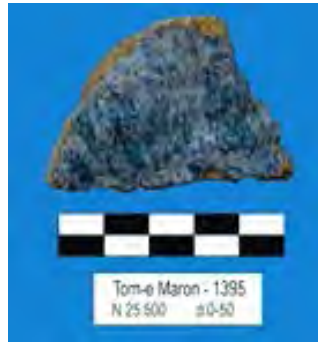
این گونه سفال دارای خمیره نخودی‌رنگ هستند. خمیره آن‌ها نیمه‌ظریف و عمدتاً از نوع ماسه پودر شده است. این سفال با پخت تقریباً کافی ساخته شده و بیشتر چرخ‌ساز است (تصویر ۸).



تصویر ۸. سفال با لعاب تک‌رنگ زرد (سرلک، ۱۳۹۵: ۱۱۳).

-سفال با لعاب تک رنگ فیروزه‌ای

این گونه سفال دارای خمیره نخودی رنگ بوده و خمیره آن‌ها نیمه ظریف است. این سفال با پخت کافی و عموماً چرخ‌ساز تولید شده و خمیره سفال نیز عمدتاً از نوع ماسه پودر شده است (تصویر ۹).



تصویر ۹. سفال با لعاب تک رنگ فیروزه‌ای (سرلک، ۱۳۹۵: ۲۵۳).

-سفال گونه نامرد

این گونه سفال‌ها دارای خمیره و پوشش رنگ قرمز-قهوه‌ای است. این سفال با پخت نسبتاً کافی، عموماً چرخ‌ساز می‌باشد. خمیره سفال عمدتاً از نوع ماسه پودر شده بوده که از ویژگی‌های سفال گونه نامرد این محوطه، می‌توان به استفاده از نقوش تزئینی هندسی سیاه‌رنگ بر روی زمینه قرمز-قهوه‌ای اشاره نمود (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۰. سفال گونه نامرد (سرلک، ۱۳۹۵: ۸۵).

سفال منقوش گونه لاندو

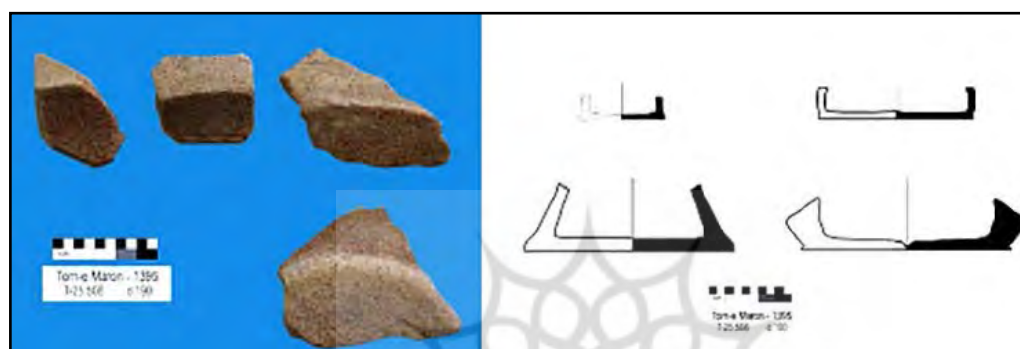
این گونه سفال‌ها دارای خمیره و پوشش خشن و نیمه خشن به رنگ قرمز-قهوه‌ای است. این سفال با پخت نسبتاً کافی، عموماً دست‌ساز است که در مناطق شرقی ایران نیز یافت می‌شود. خمیره سفال عمدتاً از نوع ماسه پودر شده بوده و در این نوع سفال، بیشتر از نقوش تزئینی هندسی سیاه‌رنگ بر روی زمینه قرمز/قهوه‌ای استفاده شده است (تصویر ۱۱).

-سفال شبه تگرگی دوره اشکانی

این گونه از سفال‌ها دارای خمیره و پوشش به رنگ قهوه‌ای بوده و به صورت نیمه ظریف تا خشن و عمدتاً به صورت چرخ‌ساز تولید شده است؛ آمیزه سفال نیز عمدتاً از نوع ماسه و شن ریز است (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۱. سفال منقوش گونه لاندو (سرلک، ۱۳۹۵: ۸۸).



تصویر ۱۲. سفال شبه تگرگی دوره اشکانی (سرلک، ۱۳۹۵: ۱۱۸).

-سفال آشپزخانه‌ای

این گونه از سفال‌ها دارای خمیره و پوشش به رنگ قهوه‌ای تیره و روشن، خاکستری و سیاه است. این سفال با پخت نسبتاً ناقص، بیشتر چرخ‌ساز و آمیخته سفال نیز عمدتاً از نوع ماسه و کاه بوده است (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۳. سفال آشپزخانه‌ای (سرلک، ۱۳۹۵: ۱۱۸).

مطالعه تطبیقی گونه‌های سفال اشکانی تم‌مارون

مطالعه تطبیقی گونه‌های سفالی اشکانی در محوطه تم‌مارون نشان‌دهنده تنوع گونه‌های سفالی در این دوره است؛ به گونه‌ای که در این محوطه حدود ۱۰ نمونه از گونه‌های سفالی دوره اشکانی به دست آمده است (جدول ۱). از نمونه‌های بارز دوره اشکانی می‌توان به سفال‌های گونه نامرد

ولاندو اشاره کرد (خسروزاده و سرلک، ۱۳۹۷). سفال‌های گونه نامرد (تصویر ۱۰) در محوطه‌های شاخص شمال خلیج فارس هم‌چون ریشه‌ر (Whitehouse & Williamson, 1973)، دم‌ب‌کوه (Basafa, 2008: Pl. 24) به دست آمده است (جدول ۱: ردیف ۹). نوع سفال (گونه نامرد) در بیشتر مناطق سواحل شمالی و حتی جنوبی خلیج فارس و محوطه‌های دوره اشکانی این منطقه مانند ملیا، رأس مسندم و اد دور به دست آمده است (Lecomte, 1993: fig. 11; Benoist et al., 2003: fig. 9). هم‌چنین از قانا در یمن و قلات بحرین نیز این نوع سفال معرفی شده است (Sedov, 1996: 21-23, fig.6, 2-7; Hojland & Anderson, 1977: 213-215). درخصوص گاه‌نگاری این نوع سفال، «پاتس» آن‌ها را به دو دوره قدیمی پارت، قرن اول و دوم میلادی و گونه جدید در اوایل ساسانی طبقه‌بندی نموده است (Potts, 1988: 211).

سفال نوع لاندو (لندو)، (تصویر ۱۳) نیز یکی از بیشترین نمونه سفال‌های دوره اشکانی محوطه تم‌مارون است که از این گونه در مناطق سواحل جنوبی خلیج فارس، ملیحا (Benoist et al., 2003: fig. 8) و مناطق مکران در شرق ایران (مهرآفرین و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷) نیز نمونه‌های قابل مقایسه با این محوطه به دست آمده است (جدول ۱: ردیف ۱۰).

سفال لعاب تک‌رنگ زرد (تصویر ۸)، تک‌رنگ فیروزه‌ای (تصویر ۹) و سفال با خمیره خاکستری (تصویر ۷) نیز به عنوان دیگر نمونه‌های سفال‌های اشکانی این محوطه در مناطق شمالی خلیج فارس، به ویژه در منطقه قشم (خسروزاده، ۱۳۹۲) به دست آمده است (جدول ۱: به ترتیب ردیف ۴، ۵ و ۶).

گونه‌های دیگر سفال‌هایی با خمیره نخودی‌رنگ (تصویر ۵) و خمیره قهوه‌ای مایل به آجری (تصویر ۴) نیز با توجه به قرارگیری در لایه‌های دوره اشکانی به عنوان سفال‌های این دوره معرفی شده‌اند (جدول ۱: به ترتیب ردیف ۱ و ۲). از لحاظ مقایسه تطبیقی این سفال‌ها با محوطه‌های شمال شرقی ایران هم‌چون محوطه اسماعیل‌آباد نیشابور (داوری و همکاران، ۱۳۹۷) قابل مقایسه هستند.

به طور کلی بررسی گونه‌شناسی و تطبیقی سفال‌های اشکانی محوطه تم‌مارون هرمزگان در مورد هر یک از گروه‌های سفال نکاتی را آشکار می‌کند؛ سفال‌های دوره اشکانی در این محوطه نشان‌دهنده استفاده از گونه‌های متفاوت این دوره است.

در نتیجه مقایسه‌های انجام‌گرفته، مشخص شده که از لحاظ شکل، شباهت‌هایی میان سفالینه‌های به دست آمده از این محوطه با سفال‌های محوطه‌های دوره اشکانی مناطق شمالی و جنوبی خلیج فارس، شمال شرق ایران و منطقه مکران وجود دارد؛ بر این اساس به نظر می‌رسد که پیوندهایی بین محوطه تم‌مارون و محوطه‌های ذکر شده وجود داشته، که نشان‌دهنده ارتباطات فرهنگی بین این مناطق است.

در همین چارچوب می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین گونه‌های سفالی یافت شده از این محوطه، سفال نامرد است. با توجه به پراکندگی گسترده سفال نامرد در جنوب شرق ایران و سواحل شمالی و جنوبی خلیج فارس، احتمالاً این گونه سفال در خلیج فارس به عنوان یک کالا در یک تجارت محدود و محلی بین محوطه‌های شمالی و جنوب خلیج فارس مبادله شده است؛ هرچند ویلیامسون منطقه دشت رودان و میناب را به عنوان منطقه تولید این گونه سفال پیشنهاد داده است (Williamson, 1972). سفال گونه نامرد محوطه تم‌مارون نیز به لحاظ شناسایی نمونه‌های قابل مقایسه در محوطه‌هایی هم‌چون: کوش (Kennet, 2002 : fig.6)، ملیحا در سواحل جنوبی خلیج فارس به دست آمده است (جدول ۱: ردیف ۹). گونه شاخص دیگر به دست آمده از کاوش‌های محوطه تم‌مارون، سفال گونه لاندو است. این نوع سفال نیز با خمیره به رنگ قرمز-قهوه‌ای و دارای نقوش تزئینی هندسی سیاه‌رنگ بر روی زمینه قرمز-قهوه‌ای، با محوطه‌های شرق ایران، مکران جنوبی

جدول مطالعه تطبیقی گونه‌های سفال اشکانی تم‌مارون (نگارندگان، ۱۴۰۰).

ردیف	گونه	تم‌مارون	محوطه مشابه	شمال خلیج فارس	جنوب خلیج فارس
۱	خمیره آجری مایل به قرمز				
۲	خمیره نخودی‌رنگ			اسماعیل‌آباد نیشابور (داوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۸)	
۳	خمیره قهوه‌ای مایل به آجری			اسماعیل‌آباد نیشابور (داوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۹)	
۴	خمیره خاکستری			جزیره قشم (خسروزاده، ۱۳۹۲: ۹۰)	
۵	لغاب تک‌رنگ زرد			جزیره قشم (خسروزاده، ۱۳۹۲: ۹۲)	امارات متحده، عمان، کویت، بحرین (خسروزاده، ۱۳۹۱: ۶۸)
۶	لغاب تک‌رنگ فیروزه‌ای			جزیره قشم (خسروزاده، ۱۳۹۲: ۹۲)	امارات متحده، عمان، کویت، بحرین (خسروزاده، ۱۳۹۱: ۶۹)
۷	شبه‌تگرگی دوره اشکانی				
۸	سفال آشپزخانه‌ای				با احتمال با نمونه‌های سیاه خشن، بحرین؛ امارات متحده (خسروزاده، ۱۳۹۱: ۷۱)
۹	گونه نامرد			ریشهر (Whitehouse & Williamson, 1973)	کوش (Kennet, 2002: Fig. 6)
				دمب‌کوه (Basafa, 2008: Pl. 24)	رأس السنندم (De Cardi et al., 1975: Fig. 9)
					اددور (Lecotme, 1992: fig.11)
۱۰	سفال منقوش گونه لاندو			سفال به‌دست‌آمده از ملیحا (Benoist et al., 2001: fig. 8)	ملیحا (Benoist et al., 2003: fig.8)
				مکران جنوبی (مهرآفرین و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷)	

و سواحل شمالی خلیج فارس و ملیحا در سواحل جنوبی خلیج فارس قابل مقایسه است (خسروزاده، ۱۳۹۱؛ فرجامی، ۱۳۹۲؛ Benoit et al., 2001: fig.8). سفال‌های با خمیره نخودی‌رنگ، زردرنگ و با خمیره قهوه‌ای مایل به آجری محوطه تم‌مارون نیز با اکثر مناطق سواحل شمالی خلیج فارس و در مناطق شمالی کشور، به‌ویژه در محوطه اسماعیل‌آباد نیشابور قابل مقایسه است (داوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۸ و ۸۹). هم‌چنین سفال‌های با لعاب تک‌رنگ فیروزه‌ای محوطه تم‌مارون با محوطه‌های سواحل جنوبی خلیج فارس و هم‌چنین با محوطه‌های جزیره کیش قابل مقایسه است (خسروزاده، ۱۳۹۱؛ ۶۸؛ ۱۳۹۲: ۹۲). این نوع سفال با تداوم در دوره‌های بعدی، به‌ویژه در دوره ساسانی و قرون نخستین اسلامی با تنوع و کاربردهای مختلفی به‌کار رفته است. انجام مطالعات میان‌رشته‌ای می‌تواند گسترش فرهنگی سفال اشکانی را مشخص نماید؛ هرچند که گزارش اولیه از نتایج آزمایش عنصری سفال اشکانی نتوانسته است به خوبی در این امر راهنما باشد (صادقی، ۱۳۹۲: ۷-۶)، ولی باتوجه به گسترش گونه‌های سفال اشکانی در حوزه فرهنگی خلیج فارس، تسلط و حضور فرهنگی اشکانیان در شمال شرق و خلیج فارس از طریق مسیر دریایی به خوبی مورد شناسایی قرار گرفت.

نتیجه‌گیری

تعلق و پیوند خلیج فارس به ایران‌زمین محدود به مجاورت جغرافیایی آن نیست، بلکه این دریا به‌همراه جزایر و سواحل آن به‌عنوان جزئی از قلمرو و فرهنگ ایران در دوره‌های مختلف تاریخی بوده و نماد بروز جلوه‌ها و آثار فرهنگ ایران است. در این پژوهش باتوجه به پراکندگی و گونه‌شناسی سفال‌های دوره اشکانی در محوطه تل‌مارون، ارتباط این محوطه با محوطه‌های هم‌دوره مورد بررسی قرارگرفت. براساس پژوهش حاضر گونه سفال دوره اشکانی شناسایی شد. نتایج مقایسات گونه‌شناسی نشان می‌دهد که وجوه اشتراک میان سفالینه‌های دوره اشکانی منطقه رودان و مناطق هم‌جوار و هم‌چنین تفاوت آن‌ها با مناطق دوردست، گویای ارتباط گسترده میان این مناطق با یکدیگر است. براساس ویژگی‌ها و گونه‌شناسی سفالینه‌های محوطه تم‌مارون و بقایای کوره‌های پخت سفال، می‌توان نتیجه گرفت که این محوطه یکی از مراکز اصلی تولید سفال اشکانی سواحل شمالی خلیج فارس بوده است. سفال‌های سواحل شمالی خلیج فارس، کرمان، شمال شرق ایران و مناطق سواحل جنوبی خلیج فارس، بیشترین تشابهات را با سفال‌های تل‌مارون دارند؛ هم‌چنین براساس کاوش‌های باستان‌شناسی تل‌مارون و شواهد و داده‌های به‌دست‌آمده، به‌نظر می‌رسد محوطه‌های دوره اشکانی در دشت رودان با سایر محوطه‌های هم‌افق در حوزه فرهنگی خلیج فارس از یک الگوی هم‌گون فرهنگی تبعیت می‌کنند. این موضوع در نمونه‌های سفال اشکانی در کشورهای جنوبی خلیج فارس باتوجه به تعداد زیاد محوطه‌های شمالی خلیج فارس و تولید گسترده آن در استقرارگاه‌های مذکور نیز صدق می‌کند.

سپاسگزاری.

آز آقای دکتر سیامک سرلک جهت در اختیار گذاشتن گزارش و منابع کاوش تل‌مارون، صمیمانه قدردانی می‌گردد.

کتابنامه

- اصلاح عربانی، ابراهیم، (۱۳۴۵). راهنمای شهرهای ایران. تهران.
- حصارى، مرتضى، (۱۳۹۸). «مجموعه مقالات میراث فرهنگی خلیج فارس». انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

- خسروزاده، علیرضا، (۱۳۸۴). «گزارش بررسی باستان‌شناسی سواحل تنگه هرمز و دریای عمان در شهرستان میناب»، تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- خسروزاده، علیرضا، (۱۳۹۱). «حضور پارتیان در مناطق جنوبی خلیج فارس (شرق و جنوب شرق شبه جزیره عربستان) براساس مدارک باستان‌شناختی به دست آمده از محوطه‌های پارتی سواحل جنوبی خلیج فارس». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۴، شماره ۲، صص: ۸۱-۶۳.
- خسروزاده، علیرضا، (۱۳۹۲). «محوطه‌ها و استقرارهای اشکانی جزیره قشم». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره سوم، شماره پنجم، صص: ۱۰۰-۷۹.
- خسروزاده، علیرضا، (۱۳۹۸). باستان‌شناسی خلیج فارس در دوره اشکانی و ساسانی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- خسروزاده، علیرضا؛ و سرلک، سیامک، (۱۳۹۷). «سفال منقوش نامرد: سفال مربوط به اواخر دوره پارت و دوره ساسانی جنوب شرق ایران و سواحل خلیج فارس». مطالعات باستان‌شناسی پارسه، شماره ۲، سال دوم، صص: ۸۲-۶۷.
- خسروزاده، علیرضا؛ و عالی، ابوالفضل، (۱۳۸۵). «کهور لنگرچینی؛ بندرگاهی اشکانی بر سواحل خلیج فارس». گزارش‌های باستان‌شناسی، شماره ۵، صص: ۷۰-۵۵.
- داوری، محمدصادق؛ موسیوند، فاطمه؛ و باصفا، حسن، (۱۳۹۷). «تبیین شاخصه‌های سفالی اوایل دوره پارتی در حوضه کشف‌رود: براساس گونه‌شناسی سفال‌های تپه اسماعیل‌آباد». مجله مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱۰، شماره ۱، صص: ۹۴-۷۵.
- بابکراد، جواد، (۱۳۵۰). «آثار ساسانی خلیج فارس (جزیره قشم)». بررسی‌های تاریخی جلد ۶، سال ۴، صص: ۱-۳۰.
- رزم‌آرا، حسینعلی، (۱۳۵۵). فرهنگ جغرافیایی ایران (آبادی‌ها). تهران: ۱۳۳۸-۱۳۳۹.
- سدیدالسلطنه کبابی، محمدعلی، (۱۳۶۳). بندرعباس و خلیج فارس: "العالم الناس فی احوال بندرعباس". تهران: چاپ احمد اقتداری.
- سرلک، سیامک، (۱۳۸۲). «گزارش نخستین فصل بررسی‌های باستان‌شناسی دشت میناب-استان هرمزگان». تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- سرلک، سیامک، (۱۳۸۶). «گزارش مقدماتی نخستین فصل کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه نخل‌ابراهیمی (مغ‌بریمی) شهرستان میناب-استان هرمزگان». تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- سرلک، سیامک، (۱۳۸۷). «گزارش مقدماتی دومین فصل کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه نخل‌ابراهیمی (مغ‌بریمی) شهرستان میناب-استان هرمزگان». تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- سرلک، سیامک، (۱۳۸۷). «گزارش گزارش کاوش به منظور لایه‌نگاری تم مارون و تم سلطان میران شهرستان رودان-استان هرمزگان». تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، (گزارش منتشر نشده).
- سرلک، سیامک، (۱۳۸۸). «گزارش مقدماتی سومین فصل کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه نخل‌ابراهیمی (مغ‌بریمی) شهرستان میناب-استان هرمزگان». تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- سرلک، سیامک، (۱۳۹۱). «لایه‌نگاری تم مارون و سلطان میران؛ رودان، استان هرمزگان، پاییز و زمستان ۱۳۸۶». پژوهشنامه خلیج فارس، دفتر چهارم، به کوشش: عبدالرسول خیراندیش و مجتبی تبریزینیا، تهران: خانه کتاب.
- سرلک، سیامک، (۱۳۹۵). «گزارش مقدماتی فصل پنجم کاوش‌های باستان‌شناسی تم مارون». پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران (منتشر نشده).

- سرلک، سیامک، (۱۳۹۶). «گزارش مقدماتی فصل ششم کاوش‌های باستان‌شناسی تم‌مارون». پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران (منتشر نشده).
- سرلک، سیامک؛ و عقیلی، شیرین، (۱۳۹۲). «دشت میناب در دوران اسلامی؛ با اتکا به مدارک به دست آمده از فاز نخست بررسی‌های باستان‌شناختی دشت میناب». مجله اثر، شماره ۶۲، صص: ۱۷-۳۴.
- شاملو، غلامعلی، (۱۳۵۱)، «کاوش در اطراف بندر میناب». باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره ۹ و ۱۰، صص: ۱۲۸-۱۲۴.
- صادقی، نسیم، (۱۳۹۲). «خلیج فارس، قلب تپنده اشکانی، بررسی و آنالیز سفال‌های اشکانی محوطه تم‌مارون در استان هرمزگان». اولین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، بیرجند: صص: ۱۹-۱.
- فرجامی، محمد، (۱۳۹۲). «گسترش سفال لوندو در محدوده خراسان جنوبی». اولین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، بیرجند.
- ویلسون، آرنولد، (۱۳۴۸). خلیج فارس. ترجمه محمد سعیدی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر.
- نوروزی، عباس، (۱۳۸۴). «گزارش مقدماتی فصل نخست کاوش‌های گورستان گروه رودان». پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، (منتشر نشده).
- نوروزی، عباس، (۱۳۸۶). «گزارش مقدماتی فصل دوم کاوش‌های گورستان گروه رودان». پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران (منتشر نشده).
- مهرآفرین، رضا؛ فاطمه علیزاده؛ و شیرازی، روح‌الله، (۱۳۹۱). «سفال مکران در دوره اشکانی و همگونی آن با مناطق همجوار». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران (نامه باستان‌شناسی)، سال ۲، شماره ۳، صص: ۷-۲۴.
- یاسی، جهانگیر، (۱۳۵۴). «گزارش بررسی‌های استان ساحلی بنادر و جزایر خلیج فارس و بحر عمان». بندرعباس: مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی استان هرمزگان.

- Babak Rad, J., (1350). "Sassanid Artifacts of the Persian Gulf (Qeshm Island)". *Historical review*, Vol. 6, Pp: 1-30 (in Persian).
- Basafa, H., (2008). "A new perspective on Dambakoh site in southeast Iran". *Iranica Antiqua*, No. XLIII, Pp: 185-206.
- Benoist, A.; Mouton, M. & Schiettecatte, J., (2003). "The Artifacts from the Fort at Mleiha: Distribution, Origins, Trade and Dating". *Proceeding of the Seminar for Arabian Studies*, No. 33, Pp: 59-76.
- Davari, M.; Musivand, F. & Basafa, H., (1397). "Explanation of Early Parthian pottery characteristics in Kashf Rood Basin: based on the typology of Ismailabad Teppe Pottery". *Journal of Archaeological Studie*, Vol. 10, No. 1, Pp: 75-94 (in Persian).
- De Cardim, B.; Vita, F. & Coles, A., (1975). "Archaeological survey in Northern Oman, 1972". *East and west*, No. 25, Pp: 9-27.
- Farjami, M., (1392). *Expansion of Londo pottery in South Khorasan*. The first national archeology conference of Iran, Birjand (in Persian).
- Hesari, M., (1398). *Collection of articles on the cultural heritage of the Persian Gulf*. Publications of Cultural Heritage and Tourism Research Institute (in Persian).
- Hojlund, F. & Andersen, H., (1997). *Qala'at al-Bahrain*. Vol. 2, The the Central Monumental Buildings, Aarhus.

- Islah Arabani, I., (1345). *Gide to Iranian cities* (in Persian).
- Kennet, D., (2002). "Sasanian pottery in Southern Iran and Eastern Arabia". *IRAN*, No. XL, Pp: 153-162.
- Khosrowzadeh, A. & Sarlak, S., (1397). "Namard in scribed pottery: pottery related to the Late Parthian period and the Sassanid in the southeast of Iran and coast of the Persian Gulf". *Parseh Archaeological Studies*, No. 2, Vol. 2, Pp: 67-82 (in Persian).
- Khosrowzadeh, A., (1348). *Report on the archaeological survey of the coasts of the Strait of Hormuz and the Sea of Oman in Minab city*. Tehran: Archeology Research Institute Document Center (Unpublished) (in Persian).
- Khosrowzadeh, A., (1391). "The presence of the Parthians in the southern regions of the Persian Gulf (east and southeast of the Arabian Peninsula) based on archaeological evidence obtained from the Parthian sites of the southern coasts of the Persian Gulf". *Archaeological studies*, Vol. 4, No. 2, Pp: 63-81 (in Persian).
- Khosrowzadeh, A., (1392). "Parthian sites and settlements of Qeshm Island". *Archaeological Researches of Iran*, Vol. 3, No. 5, Pp: 79-100 (in Persian).
- Khosrowzadeh, A., (1398). *Archeology of the Persian Gulf in the Parthian and Sasanian Periods*. Tehran: Organization for studying and compiling Humanities Books of Universities (Samt) (in Persian).
- Lecomte, O., 1993, "Ed-Dur, les occupations des 3e et 4e s. ap. J.-C.: Contexte des trouvailles et matériel diagnostique". In: Finkbeiner, U., ed. *Materialien zur Archäologie der Seleukiden- und Partherzeit im südlichen Babylonien und im Golfgebiet*. Tübingen: Wasmuth, Pp: 195-217.
- Mac Call, G. J. H., (1982). *Explanatory Text of the Minab Quadrangle Map 1:250000 Geological Survey of Iran*.
- Mehrafarin, R.; Alizadeh, F. & Shirazi, R., (1391). "Makran pottery in the Parthian period and its homogenitiy with neighboring regions". *Archaeological Researches of Iran (Archaeology Letter)*. Vol. 2, No. 3, Pp: 7-24 (in Persian).
- Nowrozi, A., (1348). "Preliminary report of the first chapter of Geroi Rodan cemetery excavations". Research Institute of Archaeology, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, Tehran (Unpublished) (in Persian).
- Nowrozi, A., (1386). *Preliminary report of the second chapter of the excavations of Geroi Rodan cemetery (in Persian)*. Archaeological Research Institute, Cultural Heritage and Tourism Research Institute, Cultural Heritage and Tourism Research Institute, Tehran (Unpublished) (in Persian).
- Pezard, M., (1914), *Mission a Bender-Biuchir*. Paris.
- Potts, D. T., (1998). "Namord ware in southeastern Arabia". In: C. S Phillips, D. T Potts & J. Searight (eds.), *Arabia and her neighbors. Essays on prehistorical developments presented in honour of Beatrice de Cardi*. Abiel II, Brepols, Pp: 207-220.
- Priestman, S. M. N. & Kennet, D., (2002). "The Williamson Collection Project: Sasanian and Islamic Pottery from Southern Iran". *Iran*, Vol. 40, Pp: 265-267.

- Razmara, H., (1355). *Geographical culture of Iran*. Tehran: 1338-1339 (in Persian).
- Sadeghi, N., (1392). "Persian Gulf, the beating heart of Parthian, investigation and analysis of Parthian pottery from Tom Maron site in Hormozgan province". *The first national archeological conference of Iran*. Birjand, Pp: 1-19 (in Persian).
- Sarlak, S. & Aghili, Sh., (1392). "Minab plain in the Islamic era: Relying on the documents obtained from the first phase of the archaeological investigations of the Minab plain". *Journal of Art*, No. 62, Pp: 17-34 (in Persian).
- Sarlak, S., (1382). "Report of the first chapter of the archaeological investigations of Minab plain. Hormozgan province". Tehran: Archeology Research Institute Document Center (Unpublished) (in Persian).
- Sarlak, S., (1395). "Preliminary report of the fifth chapter of the archaeological excavations of Tom Maron". Tehran: Archaeological Research Institute, Cultural Heritage and Tourism Research Institute (Unpublished) (in Persian).
- Sarlak, S., (1396). "Preliminary report of the sixth chapter of the archaeological excavations of Tom Maron Archaeological Research Institute". Tehran: Cultural Heritage and Tourism Research Institute (Unpublished) (in Persian).
- Sarlak, S., (1386). "Preliminary report of the first season of archaeological excavations in the area of Nakhl Ebrahimi (Mogh Barimi)". Minab city, Hormozgan province, Tehran: Archeology Research Institute Documentation Center (unpublished) (in Persian).
- Sedov, A. V., (1996). "Qana' (Yemen) and the Indian Ocean the archaeological evidence". In: H. P Ray & J. F Salles (eds), *Tradition and Archaeology, early maritime contacts in the Indian Ocean. Proceeding of the international seminar Techno-Archaeological Perspective of Seafaring in the Indian Ocean 4th cent. B.C. – 15th cent.* A. D. New Delhi, Feb. 28 – March 4, New Delhi, Pp: 11-35.
- Shamlou, Gh., (1351). "Exploring around Minab Port". *Archeology and Art of Iran*. No. 9 and 10, Pp: 124-128 (in Persian).
- Stein, A., (1396). "An Archaeological tour in the ancient Persis". *Iraq*, No. 13, No. 2, Pp: 111-225.
- Whitcomb, D. S., (1987). "Bushire and the angali canal". *Mesopotamia*, No. 22, P: 311.
- Whitehouse, D. & Williamson, A., (1973). "Sasanian Maritime Trade". *IRAN*, No. 11, Pp: 29-49.
- Whitehouse, D., (1968). "Excavation at Siraf. First interim report". *IRAN*, No. 6, Pp: 1-22.
- Whitehouse, D., (1972). "Excavation at Siraf. Fifth interim report". *IRAN*, No. 10, Pp: 63-87.
- Williamson, A., (1972). "Persian Gulf commerce in the Sasanian period and the first two Centuries of Islam". *Bastan Shenasi va Honar-e Iran*, No. 9-10, Pp: 97-112.

- Wilsson, A., (1348). *Persian Gulf*. Translated by: Mohammad Saeedi, Tehran: Translation and publishing company (in Persian).

- Yasi, J., (1354). *Report of investigations of the coastal province of the ports and islands of the Persian Gulf and the Oman Sea*. Bandar Abbas: Document Center of the General Directorate of Cultural Heritage of Hormozgan Province (in Persian).

- www.googleearth.com

